

خود اختگی

پرویز مینوئی

مراد یا خودش می‌داند که مریدان را به راه تسلیم و رضا سوق می‌دهد و یا تحت تأثیر سیستم مرید و مرادی قرار گرفته و ناخودآگاه همان روشهای مراد قبلی خود را در مورد مریدان تازه به کار می‌برد.

می‌توان گفت ملت‌های جهان سوم و بویژه ملت‌های ۵۴ کشور مسلمان و عقب افتاده جهان سوم، تحت تأثیر باورهای مذهبی و موازی مذهبی و به علاوه تلقین‌هایی که اَبَر قدرت‌ها مستقیم و غیر مستقیم می‌کنند، تن به تسلیم و رضا می‌دهند و ظلم را تحمل می‌کنند و به نظرشان چاره‌ای نمی‌رسد.

نویسنده هنرمند و آگاه ایرج پزشک‌زاد در داستان «دائی جان ناپلئون» این شیوهٔ رساندن ملتی را به مرحلهٔ تسلیم و رضا نشان داده است. اگر شما به من اجازه بدهید و بر من خشم نیاورید، اسم این شیوه را «خود اختگی» بنامم.

در این شیوه، فرد فرد ملت برای اینکه از قیام بگریزند و خطرهای آن را تحمل نکنند، بر خود و اطرافیان تلقین می‌کنند که هر چه اَبَر قدرت‌ها بخواهند، همان خواهد شد و چون ما نمی‌توانیم دخالتی بکنیم، پس تن به تسلیم و رضا می‌دهیم.

آدمهایی که می‌گویند «ای آقا... اینها برای صد سال آینده جهان نقشه دارند» جزو همین گروه هستند و همچنین آنانی که می‌گویند «اینها همه‌اش برنامه است» و یا می‌گویند «هر که را که بخواهند به قدرت می‌رسانند» و یا می‌گویند «حتماً آدمی را برای آینده در آب نمک خوابانده‌اند» و... و...

اینها همه جزء کوشندگان شیوهٔ «خود اختگی» هستند و در این شیوه، زحمت مطالعه و فکر و بحث را از خود دور می‌کنند و می‌گویند: «هنگامی که خواستند، فلان شخص را به قدرت رسانیدند و هنگامی که دیگر نخواستند، سرنگونش کردند»، «چه کوششی، چه تلاشی، چه نظاهراتی، چه اعتراضی، آنها که همه چیز را از پیش تعیین کرده‌اند»

البته شکی نیست که اَبَر قدرت‌ها روی دهها سال آینده و یا صد سال آینده، مطالعه می‌کنند و نقشه می‌کشند، اما نقشه‌های آنان حتماً لازم الاجرا نیست و ملتهایی که دچار خود اختگی نباشند، جمع می‌شوند و فریاد می‌زنند، مبارزه می‌کنند تا نگذارند نقشه‌های ظالمانهٔ اَبَر قدرت‌ها بر علیه آنان به کار گرفته شود. و اگر احتمال کشته شدن هم باشد، از آن

در زمان گذشته در جنگ‌ها هنگامی که بر سردار دشمن پیروز می‌شدند و اغلب او را می‌کشتند، گاهی پسران کوچک او را اخته می‌کردند تا احساس شجاعت و دلوری در آنها ضعیف شود و در آینده به فکر انتقام جویی پدر برنخیزند. در این عمل بیضه‌های پسر کوچک را یا حذف می‌کردند یا از کار می‌انداختند و دیگر آثار مردانگی در آن پسر ظاهر نمی‌شد. نه صدایش مردانه می‌شد و نه بر صورت و بدنش مو ظاهر می‌شد.

همین روش نیز در برخی از غلامان به کار می‌بردند تا حالت‌های مردانه در آنان ظاهر نشود و آرام باشند و در حرمسرا خدمت کنند.

در حیوانات هم اخته کردن رسم است و گاهی به منظور پروار شدن، گاو و گوسفند را هم اخته می‌کنند و همچنین سگ و گربه را نیز به منظور آرام شدن اخته می‌کنند. اما آیا ملت‌ها را هم می‌توان اخته کرد؟

گاهی دین و مذهب و باورهای موازی آن سبب می‌شود ملتی از شور و شریفتد و آرام شود و تن به هر چه پیش آید بسپارد. در این دنیا اگر سختی و مشقت را تحمل کردند دل خوش دارند که در آن دنیا به سعادت و خوشی خواهند رسید و حتی گاهی تن و بدن خود را با سینه زدن، زنجیر زدن، قسه زدن، تیغ زدن و پوست را لای قفل گذاشتن، آزار می‌دهند با این وعدهٔ دروغین که هر چه ستم کشیده‌اند، در آن دنیا چندین برابر شادی و خوشی نصیب آنان می‌شود و آدمهایی که به آنها ستم کرده‌اند، در آن دنیا مجازات‌های سختی در انتظار آنان است. این مورد باورهای مذهبی سبب شده است تا ملتی به حالت تسلیم و رضا برسند و اجازه بدهند که واژهٔ «اخته» را در مورد آنان به کار ببریم و بگوییم این باورهای دینی و مذهبی، ملتی را اخته کرده است!

گفتم گاهی باورهای موازی به همین گونه اثر می‌کند و آن قضیه مرید و مرادی است. مریدان در خدمت مراد هستند و

نمی ترسند زیرا «آخته» نیستند. و اینان آگاهند که نقشه‌هایی که آبر قدرتها در اجرای آن می‌کوشند، حتی گاهی در مورد ملت‌های خودشان هم با شکست مواجه می‌شود. آنان که گاهی نمی‌توانند نقشه‌ها را در مورد خودشان اجرا کنند، چرا ما باید قبول کنیم که در مورد ما حتماً اجرا خواهد شد و حتی خودمان نیز به اجرای آن کمک کنیم؟

بکوشیم تا خودمان را به همان اندازه‌ای که هستیم باور کنیم. نه خودمان را بزرگتر تصور کنیم و نه کوچکتر. اندازه و مقام خود را بشناسیم و به آن احترام بگذاریم.

(نقل کامل این نوشته با ذکر نام نویسنده و ارسال نشریه و یا نشانی سایت، آزاد است.)

P.o Box 771353 - Houston
TX 77215 - 1353
parvizminoeee@msn.com